

سلطانیہ

در گذر تاریخ

محمد ملکی

انتشارات دانش زنجان

سرشناسه	: ملکی، محمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: سلطانیه در گذر تاریخ / محمد ملکی.
مشخصات نشر	: زنجان: دانش زنجان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ ص.: مصور، جدول.
شابک	: ۸۹۰۰۰ ریال ۶-۵۲-۵۹۳۴-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: سلطانیه -- تاریخ
رده‌بندی دی‌ویی	: ۹۵۵/۳۴۴۳:
رده‌بندی کنگره	: DSR ۲۰۹۵/۴م ۷ ۱۳۹۰:
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۱۸۷۷۹:

سلطانیه در گذر تاریخ

محمد ملکی

ناشر: انتشارات دانش زنجان

چاپ و صحافی: ولی عصر

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول، پاییز ۹۰

• امور فنی: انتشارات دانش زنجان

• شابک: ۶-۵۲-۵۹۳۴-۶۰۰-۹۷۸

• قیمت: ۸۹۰۰ تومان



مرکز پخش

زنجان: خیابان سعدی وسط، جنب بانک ملی شعبه سعدی، شماره ۲۹۵ و ۲۹۷، مرکز کتاب

زنجان، تلفن: ۵-۲۴۱-۳۲۳۱۷۹۴



فهرست

صفحه

عنوان

بخش اول: سلطانیه از آغاز تا پایان عهد قاجار

۳	فصل اول: ایران و چگونگی استیلای مغول
۲۱	فصل دوم: پدیداری سلطانیه
۵۷	فصل سوم: اوضاع اجتماعی - اقتصادی عهد ایلخانی
۹۳	فصل چهارم: سلطانیه در عهد تیموری
۱۱۵	فصل پنجم: سلطانیه در عهد خاندان قراقویونلو و آق قویونلو
۱۲۳	فصل ششم: سلطانیه در عهد صفوی
۱۵۷	فصل هفتم: سلطانیه در عهد نادرشاه
۱۵۹	فصل هشتم: سلطانیه در عهد زندیه
۱۶۳	فصل نهم: سلطانیه در عهد قاجار
۲۸۹	فصل دهم: برخی وقایع مهم سلطانیه در اواخر قاجار و دوره‌ی پهلوی

بخش دوم: سلطانیه در عصر حاضر

۳۰۷	فصل یازدهم: جغرافیای سیاسی و انسانی و طبیعی
۳۷۷	فصل دوازدهم: فرهنگ، آداب و سنن سلطانیه
۴۱۵	فصل سیزدهم: روحانیون و شعرای سلطانیه
۴۳۳	منابع:

مقدمه

تاریخ واگویی رخدادها و تحولات در بستر زمان است که از بدو تشکیل اجتماع انسانی همزاد او بوده و در مسیر حرکت خویش همانند یک جریان پویا با موانع و بعضاً انسداد مواجه بوده و بنا به طبیعت خود راه غلبه بر موانع را باز تولید نموده و از ادوار مختلف عبور کرده و در مسیر حرکت طولانی، قواعدی را بر آن پدیدار ساخته است.

چرایی و اندیشیدن در مورد حادثه‌ها، رفتارها، پویایی و سکون، یأس و ناامیدی، ثبات و تغییر، هنر و ادبیات، فلسفه و دین که همه اینها در غالب تمدن در گذشته بروز کرده است امروزه خود را بصورت علم تاریخ نشان می‌دهد. انسان با توجه به پیشرفتهایی که در زمینه علوم باستانشناسی، زبان‌شناسی، هنر و متدهای مختلف تحقیق داشته سعی در گشودن گره راز «چرایی اکنون خویش» است چرا که «اکنون» او دنباله و ادامه همان «گذشته‌ای» است که عناصری مانند زبان، ادبیات، هنر، فلسفه و دین، آبادانها و خلق آثار و مدنیت در یک وجه و ظلم و ستم و جنگ و بی‌عدالتی و ویرانها و ... وجهه دیگر آن است.

انسان بنا به ناتوانی‌ها در مهار نیروهای طبیعی، یا به ذات خویش، زندگی اجتماعی را آغاز نمود تا مین نیاز اولیه بقاء ابتدا از طریق صید و شکار بر کار دسته جمعی استوار بود که همه اعضا و جامعه بهره‌مند از آن بودند سرآغاز پیشرفت عمده بشری گذار از مرحله متزلزل شکار به مرحله کشاورزی و گله‌داری بود که با کشف فلزات از جمله آهن و مس تحولی بزرگ در تکامل ابزار تولید پدید آورد که بازتاب چنین امری موجب پیچیدگی امور اجتماعی و پدیداری تمدنهای شهری بود. درک مفهوم مالکیت خصوصی و انتقال آن از مالکیت قبیله به مالکیت خانواده موجب بروز قشر ممتازی در جامعه گردید که با دستیابی به منابع تولید و بکارگیری نیروهای مولد برای ازدیاد تولید و افزایش سود و بهره‌مندی از مهارت بخشهایی از جامعه در صنعت و غیره و

گسترش راه‌های بازرگانی برای مبادله کالاهای اضافی، زمینه‌ساز جریان تاریخی برای تصاحب قدرت و ثروت فردی گردید.

همین که ساختارهای اجتماعی و نظامهای اقتصادی پیچیده شکل گرفت. حفظ و بقا این ساختارها، تشکیل حکومت‌های متمرکز را ضروری می‌نمود ادامه حیات حکومتها و تأمین مخارج زمامداران علاوه بر اخذ مالیاتها بعضاً منابع جدیدی را طلب می‌کرد که برای دسترسی به منابع جدید بسط و گسترش قلمروها مدنظر قرار می‌گرفت و می‌توان گفت بخش مهمی از تخصیصات و منازعات و بروز جنگها حاصل چنین اندیشه‌ای در طول تاریخ بوده که جنگ بعنوان منشاء درآمد و استثمار بود که با تصرف سرزمین‌ها و تسلط بر منابع آنها و بکارگیری اسرا در امر تولید و بدست آوردن غنائم و سود سرشار، بقا حکومتها را در مواردی تضمین می‌کرد.

و این نگاه در حالی بود که عامل مؤثری در موازنه قدرت و تنظیم روابط بین حاکمیتها در نبود یک نظام کلی حاکم و ناظر بر شیوه رفتار حکومتها "زور و شمشیر" بود که عامل اقتدار و توسعه‌طلبی محسوب می‌گردید و قدرتها در راه نیل به اهداف خود در تصاحب منابع ثروت، هم اسباب اضمحلال بنیانهای اقتصادی و فرهنگی سرزمین‌های فتح شده و هم بخشی از نیروهای مولد جامعه خود را بدلیل گسترش و طولانی شدن جنگها فراهم می‌ساختند و در مواردی تاکتیک‌های جنگی زمین سوخته و ویرانی شهرها و غارت اموال بر دامنه انحطاط می‌افزود.

زمامداران در توجیه اعمال خشونت‌بار و خون‌ریزیا و جلب مشارکت مردم و یا اجبار آنها، از انگیزه‌های قومی و مذهبی و ملی بعنوان اهرم‌هایی تأثیرگذار بنا به شرایط بهره می‌جستند. علاوه بر تهاجمات، ساختار نظامات گذشته که بر اراده واحد استوار بود و به خرد جمعی (خصوصاً در مناطق آسیایی) اعتقادی نداشت خود زمینه‌ساز فساد و تبعیض و انواع و اقسام اجحافات و نابرابری‌ها بود که گاه در شرایط قیامهای عدالت‌طلبانه و یا بروز شورش و مدعیان جدید قدرت را فراهم می‌ساخت همه این مرارتها در طی تاریخ بر سرنوشت انسان مستولی بود و بدون اینکه کمترین نقشی در اخذ تصمیم‌گیریهایی زیانبار داشته باشد به ناچار مصائب آن را تحمل می‌کرد.

سرزمین ما نیز در برهه‌ای از تاریخ با یک تصمیم نادرست سلطان محمد خوارزمشاه در برابر قتل تجار مغولی، بدون درک موقعیت و توان نیروی تازه نفس برخاسته از ماوراءالنهر زمینه یورش آن قوم را بر قلمرو ایران فراهم ساخت که آثار ویرانگر آن هجوم در کشتار و تخریب شهرها، دامن مردم ایران را فرا گرفت.

با استیلای چنگیز و اقدامات جانشینان بلافاصله هولاکو در شیوه حکومت‌داری و واگذاری امتیازات ارضی و تجاری و دیوانی به امرا و سران قبایل و اخذ مالیاتهای سنگین با انواع و اقسام عنوانها می‌رفت تا بنیانهای جامعه نابود گردد که با به قدرت رسیدن غازان‌خان اصلاحاتی در تمام شئون اجتماعی با مساعی وزیر دانشمند خود شیخ فضل‌اله انجام پذیرفت که در نوع خود در ایران کم سابقه بود آثار اصلاحات وی حتی بعد از سقوط دولت ایلخانی نیز مشهود بوده است اولجایتو بعد از غازان‌خان قصد پسر خود ارغون را در برپایی شهری در قفقور اولنگ پی گرفت و بنیان شهری را نهاد. که بنا به گفته‌ی مورخان اولین شهر ایران به لحاظ سیاسی، اقتصادی و بازرگانی بعد از تبریز در دوره اولجایتو گردید و مناسبات گسترده‌ی تجاری، بازرگانی با شرق و غرب عالم برقرار کرد.

و اما درخصوص شهر سلطانیه با آن عظمت که زمانی پایتخت دولت مقتدر ایلخانی بود کتب و مقالات متعددی تاکنون به چاپ رسیده و اساتید فن هر کدام با معیارهای علمی بر تشریح آثار بجا مانده گذشته و اهمیت مجموعه تاریخی شهر خصوصاً بنای عظیم گنبد سلطانیه این شاهکار هنر عصر ایلخانی پرداخته‌اند و ابعاد مختلف هنر و معماری این بنای بی‌بدیل را از نظر ساختار کلی، طبقات مختلف، شبستانها، مناره‌ها و گنبد و تزیینات داخلی و رنگ آمیزی‌های متنوع و اشکال مختلف هندسی و نقوش ریز و درشت و ظریف و طرحهای مختلف و کاشیکاریهای فیروزه‌ای و لاجوردی و طلایی و ... مورد مطالعه دقیق قرار داده‌اند.

آنچه حقیر را بر آن داشت تا نسبت به تدوین این دفتر (که سالها دلمشغولی‌ام بود) مبادرت ورزم مغفول ماندن حیات اجتماعی و سیاسی شهر سلطانیه و عدم تبیین موقعیت آن در ادوار مختلف بعد از دوره‌ی ایلخانی تا سده اخیر بود که در اغلب آثار منتشره درخصوص سلطانیه (که

بیشتر با رویکردی به آثار تاریخی نشر یافته‌اند) این نقیصه متصور بود و این گونه به ذهن متبادر می‌گشت که بعد از دوره ایلخانی شهر سلطانیه نیز از صحنه سیاسی اجتماعی ایران محو گردیده و جایگاهی در عرصه کشور نداشته است.

در بخش اول این مقال سعی بر آن شد تا یک تحلیل مختصر از مختصات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دوره ایلخانی با تمرکز بر محوریت بر شهر سلطانیه ارائه شود و در ادامه بحث با عنایت به منابع متعدد تاریخی جایگاه سلطانیه در ادوار مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد با توجه به عدم ارائه اطلاعات دقیق در منابع تاریخی از وضعیت عمومی شهر بعد از عهد ایلخانی این نقضان را تا حدودی مشاهدات و سفرنامه‌های سیاحانی که از دوره ایلخانی به بعد از شهر و گنبد سلطانیه بازدید نموده‌اند بر طرف می‌کند که با عنایت به زمان گزارش سیاحان در هر دوره تاریخی نظرات آنان عیناً نقل گردیده است.

در بخش دوم که مختص سده اخیر است موقعیت جغرافیایی و طبیعی سلطانیه، چگونگی و زمان استقرار نهادهای عمومی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی و آداب و رسوم مردم سلطانیه و ... ارائه شده است این مختصر به ثمر می‌نشیند مگر با مساعدت مسئولین محترم کتابخانه‌های عمومی خصوصاً مسئول کتابخانه میراث فرهنگی و سهروردی که در کمال گشاده‌رویی منابع مورد نیاز را در اختیار گذاشتند و یاری تمام کسانی که اطلاعات و اسناد و آمار بخش دوم را ارزانی داشتند و نیز خود را مدیون مؤلفان کتاب‌شناسی سلطانیه و مجموعه گلگشت می‌دانم که مسیر این مهم را تا حدودی هموار کرده بودند و از بزرگواری مسئول انتشارات دانش که مشتاقانه پذیرای مساعدت گشتند کمال تشکر را دارم.

حتماً کاستیها و ایراداتی بر این دفتر وارد است که طالب ارشادات و راهنمایی‌های اساتید بوده با این وصف امید آن می‌رود که این نوشتار دریچه‌ای بر مطالعات و بررسی‌های اهل نظر در این خصوص باشد و آثار گرانها ارائه گردد.

محمد ملکی

تابستان ۱۳۹۰